



ژورنال علم و ادب، مطالعات فرهنگی

چقدر در کنار فرزندان هستید؟

گردآورنده: سید احمد احمدی - مازندران

ما احترام متقابل وجود دارد؟ آیا آن‌ها را همان‌طور که هستند قبول داریم یا می‌خواهیم از آن‌ها چیزی بسازیم که خود دوست داریم؟ آیا حرف و عمل آن‌ها را تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده می‌پذیریم؟ آیا به قصد و نیت آن‌ها اعتماد می‌کنیم؟ آیا برای همراهی آن‌ها در علائق جدیدشان مشتاق و کنجکاو هستیم؟ یک محیط خانوادگی دوستانه جایی است که تلاش‌های کودک شناخته می‌شود و مورد توجه و تشویق قرار می‌گیرد. جایی که اشتباهات، کوتاهی‌ها و تفاوت‌های فردی تحمل می‌گردد. محیطی

نخستین دنیایی که کودکان ما با آن آشنا می‌شوند، محیط خانواده است. آن‌ها از ما و از خلال هزاران لحظه ظاهر کوتاه و کم اهمیت زندگی خانوادگی می‌آموزند که چگونه رفتار کنند، برای چه چیزی ارزش قائل شوند و از زندگی چه انتظاراتی داشته باشند. کودکان ما اغلب بعضی از مهم‌ترین پیام‌ها را درباره ارزش‌ها و اعتقادات ما، زمانی برداشت می‌کنند که ما به هیچ وجه متوجه آن‌ها نیستیم. این دنیای اولیه فرزندان ما تا چه حد دوستانه است؟ آیا میان

کسه در آن با کودک متصفانه و صبورانه رفتار می‌شود و وی می‌تواند با تفاهم و صمیمیت در آن زندگی کند و مورد توجه قرار گیرد.

به یقین مواقعی پیش می‌آید که لازم است ما اقتدار پدرانه یا مادرانه خود را در برابر کودکان خود به کار گیریم، ولی می‌توانیم به گونه‌ای عمل کنیم که این اقتدار به جای سرد و تحکم‌آمیز بودن، گرم و صمیمانه باشد. ما می‌توانیم محیط خانوادگی گرمی ایجاد کنیم که افراد آن باز و غمخوار یکدیگر بوده، در عین حال همه بدانند که برای اعمال و رفتارشان حدود معینی وجود دارد. زندگی خانوادگی امروز ما انگوه‌های کودکان ما را برای زندگی در بزرگسالی می‌سازد.

ما می‌خواهیم روابط سالمی با فرزندانمان برقرار کنیم که برای تحمل لحظات اجتناب‌ناپذیر برخوردهای خانوادگی به اندازه کافی انعطاف‌پذیر و برای دوام آوردن تا هنگام بزرگسالی آن‌ها، به اندازه کافی محکم و قوی باشد.

ما می‌خواهیم آن‌ها از دور هم جمع شدن‌های خانوادگی در تعطیلات، حتی پس از آن که خود تشکیل خانواده دادند، لذت ببرند. ما می‌خواهیم آن‌ها را با دیدی مثبت پرورش دهیم که به آن‌ها کمک کند جایگاهشان را در جهان پیدا کنند و از آن‌چه زندگی به آن‌ها عرضه می‌کند، لذت ببرند.

ارتباط متقابل

ما معمولاً روابط متقابل غیرقابل شمارش خود را در زندگی خانوادگی بسیار عادی و بی‌اهمیت تلقی می‌کنیم، در حالی که این روابط می‌تواند برای توانایی درست کنار آمدن با دیگران از اهمیت فراوان برخوردار باشد.

همان‌طور که ما انگوی رفتار فرزندانمان هستیم، خانواده نیز نمونه یک واحد اجتماعی است. در بسیاری موارد موقعیت‌هایی که کودکان ما در اجتماع با آن روبه‌رو می‌شوند شبیه روابطی است که در خانواده آن‌ها وجود دارد. در بحث‌ها و صحبت‌ها و آموزش برای شریک شدن در وسایل و امکانات خانه، فرزندان ما معنی مسئولیت و چگونگی اعتماد و اتکا به دیگران را می‌آموزند. از طریق جریان‌های عادی زندگی، به‌طور مثال مهمانی‌های کوچک خانوادگی و همیاری کودکان، آن‌ها به راحتی می‌توانند به تأثیر رفتارشان بر سایر افراد پی ببرند و درک کنند که همبستگی افراد خانواده به یکدیگر عاملی مهم در زندگی آن‌ها محسوب می‌شود. در واقع آموزش همیاری و همکاری با اعضای خانواده در حالتی دوستانه، درس‌های گرانبهایی به کودکان ما خواهد داد درباره این که در دنیای بزرگتر چگونه با دیگران کنار بیایند. کودکان هر چه بیشتر و بهتر در کارهای مشترک خانوادگی به کمک و یاری عادت کنند، از طرف دوستان، همسایه‌ها و همکارانشان در بزرگسالی، بهتر و بیشتر پذیرفته و دوست داشته می‌شوند و دنیا در نظر آن‌ها خوشایندتر خواهد بود و چنان‌چه

در زندگی بخشش و سخاوت یاد بگیرند، خود وسیله‌ای خواهند بود تا دنیا را جای زیبایی برای زندگی بسازند.

شبکه عاطفی گسترده

ترکیب خانواده در حال تغییر است. خانواده‌های بزرگ گذشته، کوچک‌تر شده‌اند. خانواده‌های کمتری با پدر بزرگ و مادر بزرگ زندگی می‌کنند. با ازدیاد طلاق در زندگی مدرن، برخی خانواده‌ها حتی از وجود یکی از افراد اصلی خانواده، یعنی پدر یا مادر، محروم‌اند.

صرف‌نظر از ترکیب خانواده، مهم‌ترین مسئله برای کودکان این است که مورد پذیرش و محبت واقع شوند. وجود افراد بزرگسال و مهربان در زندگی فرزندان ما از اهمیت بسیاری برخوردار است. کودکان ما از ارتباط دائمی با افراد فامیل یا دوستان خانوادگی بسیار سود خواهند برد. از آن‌جا که ما نمی‌توانیم در همه لحظه‌ها برای فرزندانمان همه چیز باشیم، در بسیاری موارد وجود دوستان و اقوام با دیدگاه‌های جدید و کمی وقت بیشتر، با هوشیاری‌ها و دانایی‌های خاص آن‌ها می‌تواند بسیار مفید واقع شود. در این جاست که به اهمیت وجود پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها پی می‌بریم. وجود این افراد اجازه می‌دهد بچه‌ها خود را تحت حمایت یک نسل عاقل و با محبت احساس کنند. بیشتر اوقات پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها می‌توانند برای نوه‌هایشان وقت بیشتری نسبت به وقتی که برای فرزندان خود صرف می‌کردند، داشته باشند.

وقتی پان صحبت مادر بزرگ‌ها می‌نشینیم، بسیاری از آن‌ها از اشتباهات گذشته‌شان در بزرگ کردن بچه‌ها صحبت می‌کنند. یکی از بزرگ‌ترین تأسفات‌های آنان این است که چرا هنگام کودکی فرزندان وقت بیشتری را با آن‌ها نگذرانده‌اند. آن‌ها می‌دانند که بازی کردن با بچه‌ها و اختصاص قسمت زیادی از وقتشان برای نزدیک شدن به آن‌ها، کار با ارزشی است که می‌تواند به نفع همه خانواده باشد.

یک خانواده بزرگ هم‌چنین می‌تواند محافظ امنی برای بچه‌های ما به حساب بیاید. هر چه درگیری‌های اجتماعی بیشتر باشد، پیوستگی و نزدیکی اقوام نزدیک در زندگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. وجود اقوام نزدیک در زندگی کودکان نعمتی است برای همه افراد خانواده. کودکان گاهی مایل نیستند در مواقعی که به کمک نیاز دارند مشکلات خود را با پدر و مادر خود در میان بگذارند. گاهی نیز به دلیل گرفتاری والدین، دسترسی فوری و آسان به آن‌ها برای هم صحبتی مشکل می‌گردد. در این گونه موارد وجود اقوام نزدیک که با علاقه و احساس مسئولیت می‌توانند به فرزندان ما کمک کنند، بسیار حیاتی است. آن عده از ما که به دلایلی اقوام نزدیک خود را در کنارمان نداریم می‌توانیم این شبکه را با دوستان خانوادگی خود تشکیل دهیم. ارتباط نزدیک با اقوام و دوستان، دنیای فرزندان ما را وسعت



هم چنین می توانند به آن‌ها کمک کنند تا درباره تغییراتی که با زمان به وجود می آید، شناخت بهتری پیدا کرده، به این فکر کلی و غیر قابل لمس آن‌ها، که خود نیز روزی پدر و مادر خواهند شد، معنی ببخشند.

مهمانی های خانوادگی به کودکان این شانس را می دهد که ما را تنها در نقش پدر و مادر نبینند، بلکه با اشکار شدن وجوه دیگری از شخصیت و خصوصیات ما در مهمانی ها، ما را به عنوان انسانی با ویژگی های خاص و احتمالاً جذاب ببینند. در این مهمانی ها بچه ها هنگامی که خود را از امر و نهی ما در امان می بینند، زندگی را بسیار شیرین تر خواهند یافت.

دور هم جمع شدن های فامیلی در تعطیلات، هم چنین کودکان را متوجه گذشتن زمان و این واقعیت می کند که آن‌ها در حال بزرگ شدن اند عکس هایی که در این برنامه ها گرفته می شود و مقایسه آن‌ها با عکس های نسل قبل. بسیار جذاب و دیدنی خواهد بود. مهمانی های فامیلی هم چنین می تواند زمانی مناسب برای بزرگداشت افرادی باشد که دیگر در میان خانواده نیستند.

هر روز را می توان جشن گرفت

ما مجبور نیستیم همیشه منتظر تعطیلات بمانیم تا از فضای گردهمایی و مهمانی لذت ببریم. گاهی اوقات می توان روزهای معمولی و حتی حزن آور را با برنامه ای ساده به خاطره ای فراموش نشدنی تبدیل کرد. مهم این است که فرزندان ما بدانند می توانند از بودن با خانواده نیز لذت ببرند و لزومی ندارد همیشه در خارج از خانه، تفریح و شادی را جست و جو کنند. نوجوانان

می بخشند. شبکه گسترده ای از افراد بزرگسال که ارتباط خانگی خوبی با ما داشته باشند، می تواند دنیای غنی تری در برابر فرزندان ما قرار دهد. این افراد با جواب دادن به کنجکاوی های فرزندان ما، با پیشنهاد های سازنده و جذاب خود این احساس را به آن‌ها می دهند که افراد دیگری غیر از پدر و مادرشان نیز به آن‌ها اهمیت می دهند. از آن جا که هر فردی دیدگاه و قریحه خاص خود را دارد، وجود شمار بیشتر افراد بزرگسال در زندگی کودکان ما می تواند کمک بزرگی برای موفقیت آن‌ها در زندگی محسوب شود.

فامیل دور هم گرد می آیند و بچه ها سرگرم بازی می شوند، بزرگترها به هیجان می آیند و درباره بزرگ شدن آن‌ها، شیفت ها، توانایی ها و محاسن آن‌ها صحبت می کنند. اگرچه ممکن است بچه ها از این شلوغی و هیاهو دستپاچه و نگران شوند، بی در عین حال پیام عشق و محبت و تحسین را دریافت می کنند، حتی اگر ظاهراً در پی بازی و شیفت خود باشند. هنگامی که کودکان بزرگتر می شوند، شرکت کردن در این گردهمایی ها به آن‌ها کمک می کند تا احساس تعلق و ریشه داشتن را درک کنند. احساسی که هنگام بزرگ شدن آن‌ها و زمانی که برای کشف زندگی از خانه و خانواده دور می شوند، برای آن‌ها بسیار مفید واقع خواهد شد.

گردهمایی های خانوادگی زمان خوبی برای گرامی داشت ادب و رسوم، سنت های قومی و فرهنگی ما و فرصتی برای صحبت از گذشته هاست. بچه ها دوست دارند درباره شیطنت های والدین خود داستان هایی بشنوند. از راه این داستان ها، آن‌ها چیزهای مهم و جدیدی درباره کودکی ما کشف می کنند. این داستان ها

ما هنگامی که خنده، تفریح، محبت و صمیمیت را قسمتی از زندگی خانوادگی ببینند، از این که وقت خود را با ما بگذرانند، مطمئناً لذت خواهند برد. این امر می‌تواند بر زندگی آینده ما و فرزندانمان تأثیر بسیار خوبی داشته باشد و موجب شود در نوجوانی، زمانی که تا اندازه‌ای استقلال را تجربه می‌کند، برای مشورت و درددل کردن، قبل از هر کس ما را انتخاب کند و به هنگام تشکیل خانواده بهتر و بیشتر رسوم خانوادگی را محترم بدارند.

ارتباط گذشته با آینده

فضای کلی زندگی خانوادگی ما، خاطرات دوران کودکی و نوجوانی فرزندان ما و تجاربی که از این دوران به دست می‌آورند، در زندگی آینده آنها، در ازدواج یا در روابطشان با سایر افراد و در زندگی خانوادگی خود آنها تأثیر عمیق و کلی خواهد داشت. همان‌طور که می‌دانیم کودکان بیش از آن که از سخنان یا حتی عقاید و ارزش‌های مورد احترام ما چیزی بیاموزند، رفتار ما را سرمشق خود قرار می‌دهند. آنچه فرزندان ما از زندگی مشترک با ما می‌آموزند، به عنوان یک الگو، نه فقط بر زندگی آنها که بر زندگی فرزندانمان نیز تأثیر خواهد گذارد. بنابراین ما می‌توانیم به رفتار محبت آمیز خود به عنوان

نوعی زنجیر محبت برای پیوند نسل‌ها ببندیم. تقدیم دنیایی پر از دلگرمی، بردباری و تحسین به بچه‌ها، دنیایی که در آن پذیرش و تأیید ما و رضایت و تفاهم را دریافت کنند، دنیایی که بتوانند با صداقت در آن زندگی کرده، در مقابل، انصاف، محبت و توجه دریافت کنند. می‌تواند تفاوتی واقعی در زندگی آنها و در چگونگی زندگی همه اطرافیان آنها ایجاد کند.

بباید بهترین‌ها را برای کودکانمان بخواهیم. برای بچه‌های شهرمان، بچه‌های کشورمان و بچه‌های همه دنیا. بباید تا آنجا که می‌توانیم کاری کنیم که آنها برای این که زندگی بهتری داشته باشند، همه تلاش خود را به کار برند. بباید هر چه می‌توانیم انجام دهیم تا مطمئن شویم کودکان ما جزئی از آینده‌ای باشند که ترس، گرسنگی و بی‌عدالتی در آن جایی نخواهد داشت، آینده‌ای که در آن هر انسانی در کوه زمین عضو خانواده بشری خواهد بود. بباید کاری کنیم فرزندانمان، روشنایی‌های زندگی را ببینند و ما به کمک آنها دنیا را جسای زیبایی برای زندگی بسازیم.

منابع:

<http://www.help118.com/article/social/so>

64-1.asp

<http://www.help118.com/article/social/so>

64-2.asp

